

سیر تحول سازماندهی فضایی کاخ در معماری ایران باستان

فاطمه جمشیدی نظر^۱، محمد علی کاظم زاده رائف^۲، صبا میردربیکوندی^۳

۱. کارشناس مهندسی معماری

۲. عضو هیأت علمی گروه مهندسی معماری موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان

۳. استاد مدعو گروه مهندسی معماری موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان

چکیده

یکی از اساسی ترین عناصر و اجزای برخی از بناهای ایران باستان، تالارهای ستون دار آنها می باشد، هنگامی که در کشور ما سخن از مهم ترین بناهای باستانی و تاریخی می گردد، کاخ های با شکوه و مجلل تخت جمشید در ذهن مردم نقش می بندد که اساسی ترین عناصر و یا اجزای معماری این کاخ ها، تالارها و ایوان های ستون دار آن می باشند. که این پژوهش نیز در ارتباط با سیر تحول کاخ ها بوده که نشانگر معماری باشکوه و مهندسی دوران باستان ایران می باشند. با وجود اینکه طراحان و سازندگان این بناهای باستانی از امکانات و فن آوری های محدودی بهره مند بودند. اما در نمونه های قابل توجهی چون کاخ های باشکوه آپادانا در شوش و تخت جمشید می توان نمونه های کامل و عالی این تالارها و ایوان های ستون دار را ملاحظه نمود. در این نوشتار سعی شده تا با تحلیل کلی اجزای معماری کاخ های دوران باستان در ایران، بتوان سیر تحول معماری آن ها را بررسی نمود. شیوه ی تحقیق این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی می باشد که گردآوری مطالب در آن با بهره مندی از منابع کتابخانه های علمی تخصصی معماری شهرسازی و مطالعه وبسایت های علمی پژوهشی و مرکز اطلاع رسانی علوم و فن آوری انجام گردیده است.

واژگان کلیدی: معماری کاخ، سبک پارسی، سبک پارسی، ایران باستان

مقدمه

کاخ، کوشک، ارگ یا قصر به محل اقامت خانواده سلطنتی، رئیس دولت، مقامات عالی‌رتبه و اشراف گفته می‌شود. گاهی به بناها، ساختمان‌ها و سازه‌های بزرگ دیگر نیز کاخ گفته می‌شود. کاخ فرعون در تبس، کاخ‌های تخت جمشید و کاخ‌های آشوری نینوا، کاخ کنوسوس در یونان از قدیمی‌ترین کاخ‌های جهان هستند. کاخ‌ها با قلعه و دژ و رخ فرقه‌های آشکار دارد. دژ کاربرد جنگی دارد و قلعه کاربرد نظامی و دفاعی. در طرح معماری کاخ همواره تلاش می‌شده فضاها به‌ویژه در اندرونی گوناگون باشند. با آن که نمای ساختمان به صورت جفت یا قرینه بوده ولی در طرح معماری درونی پاجفت یا ناقرینه کار می‌شده است. و گاه طرح دوم اشکوب دوم با اشکوب همکف تفاوت می‌کرده است مانند کاخ هشت بهشت اصفهان. [۲۵]

معماری همیشه و همه جا هنری وابسته به زندگی بوده و در ایران ما بیش از هر جای دیگر چنانکه آرایش معماری همواره به دست زندگی بوده و در هر زمان، روش زندگی بوده که برنامه کار معماری را پی ریخته است. کاخ صد ستون سنگی با همه پهنآوری و گستردگی تنها با چند در و روزن و پا چنگ به میانسرای گرد بسته ای باز می‌شود. که در سوی خاوری آن، تالار سی و دو ستون (در شمال آن) دروازه درآیگاه کاخ است. دیوار باختری میانسرا دارای تاق نماست. شگفت این که در بخش خزانه که از ساختمان‌های نخستین تخت جمشید است، خانه ای است که پادیاوی در میان دارد. یک سوی آن تالاری بزرگ است و سوی دیگر، یک راهرو و دو اتاق کوچک. روبروی تالار، یک چفته است. سوی باختر آن تنها یک ایوان دارد این «ساماندهی فضایی» درست همانند خانه های واپسین تهران و کاشان ویزد و کرمان است. این پیگیری و دنباله روی دیرینه، می‌رساند که تا کجا معماری ایران وابستگی بی چون و چرای خود را با زندگی پاس داشته است و تا چه اندازه معماران ایران مردم وار می‌اندیشیده اند. [۱]

از نمودهای آشکار معماری، زیبایی، تناسب سر درها، گنبد ها و ایوان ها بسیار سخن رفته است و دفترهای گوناگونی به آن پرداخته اند. ولی آنچه که بیشتر شایسته بررسی است، گوهر معماری ایرانی و منطق ریاضی و عرفان نهفته در آن است. گرایش معماران کهن ایران به میانسرا و پادیاو و گودال باغچه وهستی و کلاه فرنگی که شبستانی، گرداگرد آن را فرا گرفته، همراه با درون گرایی در معماری، از دیر باز بخشی از منطق معماری ایران بوده است. همان گونه که در کاخ های تخت جمشید دیده می‌شود؛ اتاق ها، تالارها و ایوان ها در پیرامون یک میانسرا جای گرفته اند. یا در کاخ های ساسانی و خانقاه ها و سراهای پس از اسلام، حتی در خانه های تهران سده ی پیش هم دیده می‌شود. که معمار ایرانی هیچ گاه این گرایش منطقی را از دست نداده و همیشه خانه ها و کاخ ها را چنان ساخته که گویی مادری مهربان، فرزند دلبنده خود را گرم در آغوش می‌فشرد. [۲]

معماری هخامنشی به نوعی، شکل تکامل یافته معماری ایلامی و مادی است و به عبارت دیگر هخامنشیان از آن مجموعه فنون و هنرهای ساختمانی با روشی خاص و استادانه استفاده کردند. آنان مصطبه سازی، آجرهای لعابدار ایلامی و تالارهای ستون دار با ایوان های جانبی، و مقابر صخره ای مادی را تکامل بخشیدند و از همسایگان و ملل تابعه هم غافل نماندند، بلکه از معماری و معماران بابلی، آشوری، لیدی، ساردی، مصری استفاده های شایانی بردند. [۳] بی شک، فن معماری و هنری که در این دوران شکل گرفت و رشد کرد، تحت تاثیر همه این ملل بود. ولی ایرانیان توانستند با استفاده از این هنرهای گوناگون، هنر و اندیشه ای متفاوت و خاص خودشان را ابداع نمایند و در ساخت تخت جمشید به این هدف متعالی دست یافتند. [۴] ساختمان تخت جمشید در زمان داریوش اول در حدود ۵۱۸ ق. م آغاز شد. نخست، صفه یا تختگاه بلندی را آماده کردند و روی آن تالار آپادانا و پله های اصلی و کاخ تجرا ساختند. پس از داریوش، پسرش خشایارشا تالار دیگری را بهنام تالار هدیش بنا نمود و طرح بنای تالار صد ستون را ریخت. اردشیر اول تالار صد ستون را تمام کرد. اردشیر سوم ساختمان دیگری را آغاز کرد که ناتمام ماند. [۵]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

منشأ اولیه نمونه عناصری مانند حجاری و نقش برجسته و معماری پیکره ای موجود در کاخ های هخامنشی را فقط می توان، در هنر و معماری آشور و بابل نو مشاهده کرد. [۶]

سؤال تحقیق: در دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، چه تحولاتی در معماری کاخ بوجود آمده است؟

۲-تحلیلی بر معماری کاخ های هخامنشی

۲-۱- معماری هخامنشی:

دوره ی هخامنشی یکی از اعصار طلایی فرهنگ و تمدن ایرانی است که در آن هنر و معماری اعتلا پیدا می کند. در این دوره ی معماری هخامنشی با تکیه بر میراث سایر تمدن های باستان، به ترکیبی نوین و پیشرفته در استفاده از پیمون دست یافت که پیش از آن، هرگز مشاهده نشده بود؛ و آن مشتمل بر استفاده از شبکه بندی پنهان و خشت به عنوان پیمون است. معماری هخامنشی به نوعی، شکل تکامل یافته معماری ایلامی و مادی است و به عبارت دیگر هخامنشیان از آن مجموعه فنون و هنرهای ساختمانی با روشی خاص و استادانه استفاده کردند. آنان مصطبه سازی، آجرهای لعابدار ایلامی و تالارهای ستون دار با ایوان های جانبی، و مقابر صخره ای مادی را تکامل بخشیدند و از همسایگان و ملل تابعه هم غافل نماندند، بلکه از معماری و معماران بابلی، آشوری، لیدی، ساردی، مصری استفاده های شایانی بردند. [۳] در واقع ایرانیان با شکیبایی، ظرافت، زیبایی و فلسفه را ترکیب کرده اند و هنر هخامنشی را پدید آورده اند. [۷] بی شک، فن معماری و هنری که در این دوران شکل گرفت و رشد کرد، تحت تأثیر همه این ملل بود. ولی ایرانیان توانستند با استفاده از این هنرهای گوناگون، هنر و اندیشه ای متفاوت و خاص خودشان را ابداع نمایند و در ساخت تخت جمشید به این هدف متعالی دست یافتند. [۴]

۲-۲- معماری کاخ های ایران در دوران هخامنشیان:

مشهورترین اثر به جا مانده از شاهان هخامنشی «تخت جمشید» است که به عنوان کاخ های سلطنتی می شناسندش. اکنون بیشتر محققان بر این باورند که این اثر بخشی از شهر پارسه بوده و بیشتر نقشی آیینی داشته است. به سخن دیگر، تخت جمشید مکان مقدس هخامنشیان به شمار می رفته و جشن ها و مراسم آیینی در آن انجام می شده است. [۸] (کاخ شوش) مکان مهم دیگر هخامنشیان محسوب می شده که مجموعه ای کوچکتر از تخت جمشید اما نقش درباری آن پررنگ تر بوده است. در اینجا بخش تالار بارعام هم مستقل و هم در ارتباط با بخش خصوصی بوده است. به این صورت که پس از گذر از دروازه ی ورودی، وارد محوطه ای می شویم که در شمال آن تالار بارعام یا آپادانا، و در جنوبش بقیه ی قسمت های کاخ با ورودی جداگانه جای گرفته اند. بخش اندرونی از چهار حیاط بزرگ، که پیاپی و در یک محور قرار گرفته و ده ها اتاق در پیرامونش دارد، تشکیل شده است و با دو درگاه به پشت تالار آپادانا راه دارد. بنابراین در اینجا نیز اصول آرایش معماری تا حدودی شبیه تخت جمشید است و می بینیم که شامل دستگاه ورودی مجموعه، بخش بیرونی (بارعام)، و بخش خصوصی با ورودی مستقل است که درعین استقلال با یکدیگر مرتبند. [۱]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

۲-۳- تخت جمشید:

ساختمان تخت جمشید در زمان داریوش اول در حدود ۵۱۸ ق. م آغاز شد. نخست، صفه یا تختگاه بلندی را آماده کردند و روی آن تالار آپادانا و پله های اصلی و کاخ تچرا ساختند. پس از داریوش، پسرش خشایارشا تالار دیگری را به نام تالار هدیش بنا نمود و طرح بنای تالار صد ستون را ریخت. اردشیر اول تالار صد ستون را تمام کرد. اردشیر سوم ساختمان دیگری را آغاز کرد که ناتمام ماند. [۵] منشا اولیه نمونه عناصری مانند حجاری و نقش برجسته و معماری پیکره ای موجود در کاخ های هخامنشی را فقط می توان، در هنر و معماری آشور و بابل نو مشاهده کرد. [۶] در آشور و بابل بود که چنین بناهای با عظمتی می ساختند و دور تا دور آن را پلکان وسیع با حجاری های مفصل می گذاشتند. داریوش یکم هنرمندان ماهر را از همه جا به تخت جمشید آورد و با نقشه ها و ایده های جدید دست به کار شدند. مثلاً لوشای درباره دروازه های ملل به حق می نویسد: ایجاد گاوهای نر دروازه ها و تغییر در الگوی آشوری و بدیل آن به اثری هخامنشی کاری بود که فقط از قوه خلاقانه داریوش برمی آمد. [۷]

آن چه که امپراتوری هخامنشی را خاص و با شکوه می کند، تلفیق هنر سرزمین های دیگر و گذشتگان آن ها با عناصر بومی پارسیان است. [۹]، هنر هخامنشی به عنوان هنر مجلل درباری، روند یک ائتلاف مبتکرانه با هنر سایر ملل را نشان می دهد. با وجود اقتباس هخامنشیان از هنر ملت های دیگر، نه تنها آنان به تقلید کورکورانه نپرداختند، بلکه در آنچه از دیگران برمی گرفتند، دخل و تصرف نیز می کردند. از همین رو، هماهنگی و وحدتی که در سبک معماری هخامنشی به چشم می خورد، نشان دهنده موفقیت آن ها در به کارگیری عناصر معماری دیگر ملت ها بوده است. [۱۰]

محققان برای هنر هخامنشی، سه مرجع اصلی برشمرده اند: مرجع ابتدایی این هنر، هنر بین النهرین است که نفوذ آن در نخستین بناهای این سلسله در پاسارگاد آشکار است. دومین مرجع، هنر مصر است که بسیاری از آرایه ها و نقوش موجود در تخت جمشید برگرفته از آن هستند. سومین مرجع، هنر یونان به شمار می رود؛ زیرا در دربار لیدی و کلیکیه، پارسیان تحت نفوذ یونانیان قرار گرفتند و حتی در این دوره، صحنه های نقاشی نیز به سنت شمایل نگاری یونانی نزدیک می شوند. [۱۱] مهم ترین بناهای به جای مانده این دوران کاخ های شاهی است، تاریخ ساختمان این کاخ ها به اواسط قرن ششم قبل از میلاد باز می گردد، آنچنان که از آثار معماری این دوره بر می آید، آغاز آن از مسجد سلیمان و بعداً در پاسارگاد و تخت جمشید گواه آن است. [۳]

داریوش بزرگ پس از ساختن کاخ آپادانای شوش، دستور داد برای پذیرایی از مهمانان و نمایندگان کشورهای تابعه امپراتوری ایران در زمان جشن های آغاز سال نو (نوروز)، مجموعه کاخ های شاهانه عظیم و باشکوه پارسه (تخت جمشید) را در دامنه کوه رحمت پارس بسازند. برای فراهم آوردن زمینه ایجاد تخت جمشید نخست بخشی از دامنه جنوب غربی کوه رحمت به مساحت حدود ۲ کیلومتر مربع با بریدن و شکستن سنگ ها تسطیح گردید و در جبهه های غرب و جنوب سطح ایجاد شده، با سنگ های بزرگ تراشیده، دیواری کشیده شد. تا مکان آماده شده به صورت سکویی درآید. برگرد سکوی تخت جمشید دیوار دفاعی بلندی از خشت خام ساخته شد. آنگاه به آن بناهای عظیم و با شکوه تخت جمشید یکی پس از دیگری بر روی سکو بنیان نهاده شد. [۴] ساختمان های تخت جمشید نزدیک به پنج سده پیش از میلاد ساخته شده اند و عبارتند از: پلکان بزرگ ورودی، دروازه ملل، آپادانا، تالار صدستون، ورودی کاخ مرکزی، تچرای داریوش، هدیش خشایارشا و حیاط روبروی آن، تالار شورا، خزانه شاهی و ساختمان های دیگر. در نقشه این ساختمان ها درون گرایی به خوبی دیده می شود. [۱]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

آنچه که در کاخ های تخت جمشید یکسان دیده می شود، بلندی ستون ها، آبروهای زیرزمینی و درهای بلند با روکش طلائی است. برای ورود به تخت جمشید، مهمانان که از کشورهای دیگر و پارسیان و مادها بودند. در آغاز بایستی از ۱۱۰ پله می گذشتند. این پله ها را کوتاه می ساختند به گونه ای که بلندی هر پله از پله دیگر تنها ده سانتی متر است تا هم اسب ها بتوانند از آن بالا بروند و هم کهنسالان که پیشروان مهمانان بودند به آسانی بتوانند بر آن ها گام نهند. در دیوار غربی سکوها که هنرمندان به صورت یک جفت پلکان دوجانبه در آورده شده است. این پلکان شاهکار معماری است، اثری کاملاً بدیع که در هیچ نقطه از ایران یا جهان مشابه آن تاکنون کشف نشده است. کناره ی پلکان دارای نرده یا جان پناهی به صورت کنگره های چهار پله بود که همان اجزای تزئینی تخت جمشید است. [۴] سیر تحول کاخ های هخامنشی نمایان گر گذر از پلان های نامتقارن و مستطیل شکل به پلان های متقارن و مربع شکل است. [۱۲] مهم ترین بناهای تالار بزرگ بار، آپادانا بود. سمت چپ آپادانا، کاملاً در حاشیه صفه، به دستور داریوش کاخ اختصاصی او را بنا کردند. این کاخ در مقایسه با آپادانا بسیار فروتن است. پیرامون آپادانا فضای آزاد وسیعی است تا محل اجتماع مهمانان، جشنهای بزرگ باشد. [۴] تالار ستون دار هخامنشی به پیروی از تالارهای ستون دار گودین تپه، نوشیجان تپه، باباجان و... به وجود آمده است؛ البته نباید در این میان نقش سایر تمدن ها به خصوص اورارتو، لولوبی ها، آسیای صغیر و بین النهرین را نادیده گرفت. [۷] تالارهای ستون دار احتمالاً از نمونه های معماری مصریان یا مادها متأثر، و خیاره دار کردن ستون ها از شیوه یونانی (ایونی) گرفته شده است. [۱۳]

۲-۳-۱- پلان کاخ:

بنا بر شواهد موجود که نشان از اقتباس آگاهانه شاهان هخامنشی از کاخ های بین النهرینی (آشور و بابل نو) دارند، می توان گفت این اقتباس در شکل اولیه (پلان به صورت مجموعه های حیاط دار) صورت پذیرفته و همراه با عناصر بومی و غیربومی دیگر به شکل نوآوری توسط هخامنشیان استفاده شده است. [۶] از جهت نقشه کف، کاخ تخت جمشید با نظارش در آشور و بابل تفاوت داشت، بدین معنی که عنصر اصلی آن را تالار بار عامی بسیار بزرگ به نام آپادانا تشکیل می داد. محتملاً نوع تکامل یافته همان "خیمه" ملاوف قومی بیابانگرد (با سقفی گسترده و متکی بر جنگلی از ستون). [۱۶] بناهای تخت جمشید بر خلاف کاخ آشوری که به طرز فشرده ای گرداگرد حیاط ها ساخته می شد به طور پراکنده ساخته شده بودند و خیابان ها و فضاهای خالی نامنظمی، آن ها را از یکدیگر جدا می کرد. [۱۳]



تصویر ۲: تخت جمشید (karnaval.ir)



تصویر ۱: پلان مجموعه تخت جمشید (raheeno.com)

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

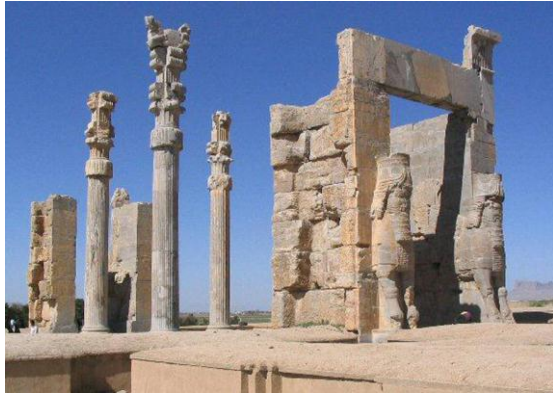
۲-۳-۲- پلکان:

با آمدن نام پلکان بی اختیار به یاد پلکان های باشکوه ورودی تخت جمشید می افتیم. بسیاری این نوع پلکان را یک نوآوری معمارانه به دست هخامنشیان دانسته آمد. این سخن تاحدودی درست است زیرا در هیچ جای دیگر نمونه ای به این زیبایی و شکوه دیده نشده، ولی شاید ما می باید به دنبال نمونه های ابتدایی تری به عنوان پیشینه ی این هنر باشیم. برخی پیشینه آن را در میان رودان دانسته اند. یکی از کهن ترین نمونه های این گونه پله های دو سویه، در کاوش های شهر اوروک و میان دو محوطه مقدس آنو و اینانا(که به معبد موزاییک مشهور است) به دست آمده است. در آشور زیگورات های متفاوتی نسبت به بابلیمان می ساختند. سه راه پله ای که برای رسیدن به بالای برج ها ایجاد می کردند، در آشور تبدیل به یک شیوه دشوارتری گشت. در طرحی که از زیگورات آنو-داد کشیده شده است، پلکان های دوسویه را به گونه ای تصویر کرده اند که بسیار همانند پله های هخامنشی تخت جمشید است. [۲۱]

۲-۳-۳- معماری پیکره ای و سرستون:

یکی از شاخص ترین و مشهودترین الگوهای اقتباس شده توسط هخامنشیان از معماری بین النهرینی (آشور و بابل نو) پیکره های سنگی سه بعدی (بدن گاو نر یا شیر بالدار با سر انسان) می باشند که بیشتر در دروازه های کاخ ها مورد استفاده قرار می گرفتند. [۶] خشایارشا در نصب مدخل دروازه ملل از آشور تقلید کرده است و گاوهای بالداری که وی بر سردر این دروازه نصب کرده بود کاملاً تقلیدی از آن ها می باشد. [۷] با این تفاوت که در پیکره های آشوری تعداد پاها در نمای نیمرخ ۴ عدد است، اما در نمونه های تخت جمشید و پاسارگاد تعداد پاها در نمای نیمرخ ۳ عدد می باشد و بال های موجود بر پشت پیکره ها نیز در نمونه های تخت جمشید و پاسارگاد برخلاف آشوری که صاف می باشند، در اینجا با قوس و انحنای رو به بالا کشیده شده اند. علاوه بر معماری پیکره ای که در دروازه های ورودی کاخ های هخامنشی با اقتباس از آشوریان استفاده شد، در سرستون های موجود در تالارهای ستون دار نیز، الگوهایی از هنر و معماری بین النهرینی را می توانیم مشاهده کنیم. این سرستون ها در اشکال متنوع مانند گاو، شیر، گریفین، لاماسو در کاخ های هخامنشی با تأثیر از بین النهرین به کار رفته اند. در مورد کاربرد این نوع ترکیبات در قالب سرستون، شاید بتوان گفت فقط در دوره هخامنشی صورت گرفته است اما فرم و شکل استفاده شده در این سرستون ها همواره مورد بحث بوده است. در این زمینه نمونه هایی از سرستون ها با تأثیر از معماری پیکره ای (لاماسو) آشوری به کار گرفته شده است، مانند سرستون با بدن گاو و سر انسان (گاو مرد) به صورت ترکیبی که در کاخ شورا و محل سربازان در تخت جمشید کشف شده و قابل مقایسه است با نگهبان کاخ سارگون دوم در دور-شارو کین هرچند در نمونه استفاده شده در دروازه های ورودی گاو حالت ایستاده و دارای بال می باشد، اما در مورد سرستون ها، گاو حالت نشسته و فاقد بال است. [۶]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست



تصویر ۴: سرستون های تخت جمشید (aattai.org)



تصویر ۳: دروازه ورودی تخت جمشید (kojaro.com)

۲-۳-۴- حجاری و نقوش برجسته :

در مجموعه ساختمان های تخت جمشید نقوش نیم برجسته ردیف شده بر سنگ دیوارها هنر آشور و بابل در سده های نهم تا هفتم ق.م را به یاد می آورد. [۱۶] تالار بار عام داریوش، تخت جمشید حدود ۵۰۰ ق.م، شیرهایی که گاوها را می دریدند و شاهان که در حال کشتن شیر بودند، بزرگانی که به صف آماده ی ورود به بارگاه بودند، از نقش برجسته های مهم تخت جمشید هستند. [۷] در تخت جمشید برخلاف کاخ هایی که در جهان ساخته شده است، اغلب حکاکی های برجسته توأم با فکر و اندیشه می باشد و هیچ نقشی که از جنایتکاری گفتگو نماید یا صحنه های عیاشی و خوش گذرانی را نشان دهد، دیده نشده است. و هدف بنیان گذاران آن گردآوری هنرهای جهان در یک جا و به نمایش گذاشتن شوکت و عظمت ایران و ثابت باقی گذاشتن باورها و ایدئولوژی خودشان در قالب هنر بوده است. [۴] در چهار درگاه شرقی و غربی تالار تخت، در تخت جمشید نقش برجسته هایی از نبرد شاه با مظاهر اهریمنی ایجاد شده است که شامل حیوانی بالدار با سر و تنه و پای شیر و دم عقرب و چنگال عقاب، گاو وحشی، شیر، مرغ شکاری. علاوه بر این ها در گوشه پنجره های تالار صدستون، پادشاه به عنوان قهرمان مغلوب کننده هیولاها نقش شده است و همچنین در درگاه های کاخ اختصاصی داریوش اول نیز نقش برجسته هایی با مضمون شاه مغلوب کننده ایجاد شده که در درگاه شرقی شاه با شیری که بر روی دو پا ایستاده مبارزه می کند و در درگاه غربی شاه در حال مبارزه با هیولایی است شیرتن، بالدار و عقرب دم، که مظهر چیرگی شاه بر پلیدی ها است. نمونه این نقش برجسته ها را می توان در کاخ شمال غربی آشورنصیرپال دوم و کاخ شمالی آشوربانیپال در نینوا مشاهده کرد. با توجه به کتیبه ها و نقوش برجسته، الگوی شکار شیر برای پادشاهان بین النهرینی موقعیت مهمی محسوب می شده است. این الگوها با تعدد ورودی ها در کاخ های آشوری که در تخت جمشید هم مشهود است فضای مناسب برای ایجاد نقوش با مفهوم اسطوره ای و قهرمانی شاه بوجود آورد [۶]

از عناصر مهم معماری در کاخ های تخت جمشید که بیشترین سطح دیوارهای سنگی را پوشانده، حجاری هایی هستند که در قالب نوارهای تزئینی و مصور از گروه های هدیه آورنده برای شاه ایجاد شده اند. این نوارهای حجاری شده که بصورت داستان گونه افرادی را در حال حمل هدیه برای شاه نشان می دهند، در هنر آشوری مشهود است و نمونه نسبتاً مشابه آن بر روی درفش اور در بین النهرین موجود است که در بین نوارهای تزئینی تصاویر مختلف از جمله حیوانات اهلی که برای تدارک جشن پیروزی شاهانه به درون اور آورده می شوند ایجاد شده است و همچنین بر روی دروازه برنزی پالاوات نمونه های مشابه دیگری ایجاد شده که بخشی از آن نشانگر حمل کالا توسط فینیقی ها برای هدیه دادن به شمالا نصر سوم پادشاه آشوری است. [۶]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

حجاری هخامنشی آمیزه ای از قدرت، وقار و عظمت همراه تجربیات هنری اعصار قبل به خصوص آثار آشوریان است. ولی در حجاری های ایرانی ظرافت در آثار بیشتر است و حجم پردازی ها طبیعی تر هستند. مثل حجاری " تاجگذاری داریوش " در دروازه های تخت جمشید. [۴] در حجاری شمایل داریوش نیز، تزیین تاج، ریش و قرص خورشید بال دار بالای سر داریوش از تزیینات آشوری الهام گرفته است. [۱۰] هرچند منشا اولیه گوی بالدار را مصر در نظر می گیرند اما شکل هخامنشی آن تقلیدی از هنر آشور است. نمونه آشوری آن را می توان در کاخ شمال غربی آشورنصریپال دوم مشاهده کرد که بعنوان رب النوع در نظر گرفته شده و بر نقش گوی بالدار هخامنشی تقدم دارد. این گوی بالدار اگر بدون تصویر ایزد باشد، مظهر شمس ایزد آفتاب در نظر گرفته می شود، اما اگر با تصویر ایزد باشد مظهر آشور می شود. [۶]

آنچه در تخت جمشید دیده می شود درونگرایی کامل است. از نیارش و ایستایی به خوبی استفاده شده است. سقف های چوبی و دیوارها نیز از داخل کاشی لعاب دار و از بیرون با تخته سنگ های تراش شده روکش شده اند. ستون از جمله عناصر مهم ابنیه دوران هخامنشی محسوب میگردد و در تخت جمشید سقف های وسیع بر فراز ستون های متعدد استوار بوده اند هنرمندان از ملیت های گوناگون در ساخت و پرداخت آن ها سهم داشته اند. در نوشته های داریوش آمده است که ستون ها را سنگ تراشان یونانی و لیدی ساخته اند. برخی از صاحب نظران معتقدند که اگرچه یونانیان در ساخت ستون های تخت جمشید شرکت داشته اند، جزییات کار را هنرمندان ایرانی به انجام رسانیده اند. بر فراز ستون ها قسمت جلویی شیر و گاو و حیوانات افسانه ای استقرار یافته که نظیر آن ها قبلا در هنر سکایی دیده شده است. [۴] این معماری بر مبنای ساخت حیوانات ترکیبی شکل گرفته و می توان آن را نوعی معماری آیینی تلقی کرد. استفاده از این حیوانات در دروازه ها، و سرستون های هخامنشی مربوط به این دوره نیست و می توان آثاری از این نوع را در دوران هیتی ها در آسیای صغیر و در معماری آشور در بین النهرین ملاحظه کرد. [۹]

۴-۲ - کاخ پاسارگاد

پاسارگاد در پنجاه مایلی شمال پرسپولیس واقع شده و مانند اکباتان ۵۵۰۰ پا ارتفاع دارد. ابنیه ی این شهر بر فراز جلگه ای وسیع متفرق بوده است. در این جلگه صفا ای بر فراز تلی طبیعی و مرتفع ایجاد کرده و کاخی بر روی آن بنا نهاده بودند که اکنون به نام «تخت سلیمان» موسوم است. در زیر کاخ، محوطه ی وسیعی قرار دارد که محصور به دیوار بوده است. وضعیت متحد الشکل قصرها خطوط و آثار دیوارها و جانه ها و نیز مجاری آب، همه دلالت بر وجود پارک و باغ معلق شبیه به باغ های بابل دارند. علائم تقسیم قصر به دو قسمت بیرونی و اندرونی (سراو حرم خانه) هنوز نمایان است. بناهای دیگری که در آنجا باقی مانده، عبارتند از : آرامگاه سیروس (کوروش) که به مقبره مادر سلیمان معروف شده و مناره ی مقبره ای که اکنون موسوم به «زندان سلیمان» است. آثار دو کاخ بزرگ پاسارگاد نشان می دهند که همه ی قسمت های آن به یک ارتفاع ساخته نشده اند، چنان که کاخ بار کوروش که مجموع مساحت آن ۲۶۲۰ متر مربع است، مشتمل بر تالار مرکزی بزرگ و چهار ایوان در چهار جانب بوده است. بلندی پوشش تالار مرکزی به شهادت تنها ستون سنگی موجود آن، نزدیک به شانزده متر و بلندی سقف ایوان ها به دلیل وجود محل الوار چوبی آن ها بر پایه های سنگی کنار ایوان، بالغ ۱۰/۵ متر می شود و بدین قرار، منظر کلی بنا مشتمل بر قسمت مرکزی بلند و قسمت های اطراف کوتاه می شده است. هم چنین کاخ اختصاصی کوروش به مساحت ۳۴۲۷ متر مربع، مشتمل بر تالار بزرگ مرکزی در وسط و دو ایوان طویل در جوانب شمال شرقی و جنوب غربی و متعلقات دیگر در جوانب بوده است. از قرائن موجود به نظر می رسد که قسمت وسط بنا نسبت به قسمت های اطراف آن، چهار متر بیشتر ارتفاع داشته است. [۱۴]

۲-۵- کاخ آپادانا

مساحت تالار یا کاخ آپادانا ۱۰۴۳۴ متر است. این کاخ که بارگاه یا آپادانا نامیده شده توسط اردشیر دوم تجدید بنا شده است. بنای کاخ آپادانا در تخت جمشید نقشه ای شبیه به این کاخ دارد. طرح کاخ، بنایی کوشک مانند با سه ایوان ستوندار در سه جبهه ی شمالی، شرقی و غربی آن است. تالار مرکزی با ابعاد ۵۸ در ۵۸ متر است و دارای ۳۶ ستون می باشد. ارتفاع ستون ها حدود ۲۰ متر است و با سرستون های کله گاوی شکل ساخته شده است. ایوان ها هر کدام دارای دو ردیف ستون شش تایی می باشند. ضلع جنوبی آپادانا دارای دو خروجی است که به قسمت مسکونی و حیاط های کاخ باز می شوند. از کل مجموعه کاخ، ۱۱۰ اتاق و تالار مکشوف گردیده است. شش حیاط که سه تای آن ها بسیار بزرگ بوده اند دور یک محور شرقی و غربی قرار گرفته اند، در داخل مجموعه کاخ ها وجود داشته اند که به وسیله ی یک راهرو بزرگ به بخش شمالی مربوط می گردیده است. سه حیاط کوچکتر (از شش حیاط یاد شده)، در بخش شمالی مجموعه کاخ قرار داشته اند. اتاق ها و ساختمان های مختلف کاخ بوسیله ی این حیاط ها تهویه شده و روشنایی می گرفته اند. [۱]

۳- دستاوردهای معماری اشکانی و ساسانی در سازماندهی فضاهای معماری کاخ

۳-۱- کاخ های ایران در دوران اشکانیان:

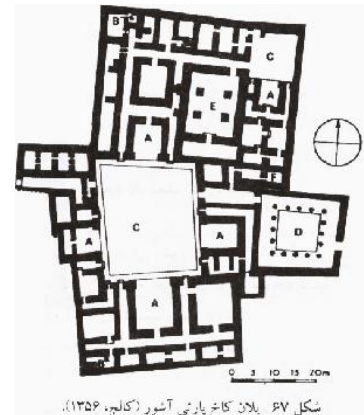
باستان شناسان چند کاخ مهم از دوره ی اشکانیان کاوش و بررسی کرده اند که اکنون همه ی آن ها خارج از مرزهای سیاسی ایران قرار گرفته اند. یکی از بناهایی که به خوبی می تواند ویژگی های یک خانه ی سلطنتی را نشان دهد، «کاخ نیپور» در جنوب منطقه ی میان رودان است که به احتمال فراوان قدمت آن به اوایل دوره ی اشکانی می رسد. این مجموعه ی تقریباً مربع شکل، یک ورودی مشخص دارد که شخص وارد شونده را به دو سوی مختلف هدایت می کند. در یک سو بخش بیرونی خانه را می بینیم که مهم ترین فضاهایش حیاطی رواقدار و اتاقی با چهار ستون است و اتاق های کوچکتری نیز در کنار آن ها جای گرفته اند. در سوی دیگر بخش اندرونی قرار دارد که با راهرویی به ورودی متصل می شود و دارای حیاطی کوچکتر، آشپزخانه، حمام، و چند اتاق دیگر است. [۲۲] اتصال بخش بیرونی و اندرونی در این کاخ، با راهرویی که به دو حیاط راه دارد، صورت گرفته است.

«کاخ آشور» مجموعه ای مفصل تر و پیچیده تر است و شاید کل آن در یک زمان ساخته نشده باشد. این اثر دارای سه حیاط مجزاست که در بزرگترین و مهم ترین آن ها چهار ایوان در چهار سو به چشم می خورد و بدین ترتیب می توان آن را از نخستین بناهای چهار ایوانه ی ایران دانست. از نقشه ی بنا درمی یابیم که دو ورودی در دو سوی شرقی و غربی داشته که به ترتیب به حیاط رواق دار و حیاط اصلی راه می یابند. از دیگر فضاهای این مجموعه میتوان به اتاق ستون دار، حمام، و آشپزخانه اشاره کرد. اتاق ستون دار جدا از حیاط قرار گرفته و شاید برای منظوری خاص بوده است. اتاق های باقیمانده در کاخ پارتی آشور در ردیف های تکی در اطراف هر چهار ایوان چیده شده و با یک راهرو تاق پوش، که سه طرف ایوان را احاطه کرده، از آن ها جدا شده اند. این راهروهای جدا کننده، که عبور مستقیم از یک اتاق به اتاق دیگر را ناممکن می سازد، دوباره در معماری ساسانی و کاخ های اوایل دوره ی اسلامی، مانند قصر شیرین و اخیضر، ظاهر می شوند. [۲۳]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست



تصویر ۶: پلان کاخ آشور (wikipedia.org)



تصویر ۵: (eyvan.org) نمای از کاخ آشور

۳-۲- معماری ایران در دوره ساسانی :

علیرغم حیات طولانی مدت سلسله ساسانی، آثار معماری زیادی از این دوره بر جای نمانده است؛ لذا مشکلاتی در مطالعه ی سبک شناسی، تاریخ گذاری و جنبه های مختلف معماری این دوره وجود دارد. [۲۴] گونه شناسی بناها معماری ساسانی: تنوع گسترده ای از بناهای مسکونی، کاخ ها، بناهای مذهبی، قلاع و استحکامات نظامی، پل ها و موارد دیگر را شامل می شود اما بیشتر آثار باقیمانده، مربوط به کاخ ها، بناهای مذهبی و تا حدودی پلها و استحکامات نظامی است. [۱۸]

۳-۲-۱- کاخ های دوران ساسانی:

کاخ ها شاخص ترین بقایای معماری ساسانی و مهم ترین کار معماران این دوره بوده است. این دسته از بناها علی رغم تنوع در طرح، دارای چیدمان منظم با محورهای متقارن و عنصر مسلط ایوان می باشند. کاخ های اردشیراول در فیروزآباد و قلعه دختر، دارای تالارهای پذیرایی به صورت ایوان عمیق با اتاق های جانبی هستند که در برابر گنبدخانه مرکزی قرار گرفته اند. کاخ شاهپور در بیشاپور نمونه برجسته دیگری از اوایل دوره ساسانی است که تالار بزرگ مرکزی آن به ابعاد هر ضلع ۲۲ متر، باطاقچه های تزئینی زیبایی مزین شده بود و گنبد عظیمی بر آن قرار داشته است. [۱۸] مدارک مکشوفه از قلعه دختر، فیروزآباد و تیسفون وجود فضاهای اختصاصی و مسکونی را در طبقه دوم تأیید می کند در کاخ سروستان برای نخستین بار گنبد بر روی پلان مربعی قرار می گیرد. کاری که نیازمند گوشه سازی است و به عنصر اصلی معماری اسلامی تبدیل می شود [۲۰].

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست



تصویر ۸: کاخ تیسفون (iranview.ir)



تصویر ۷: کاخ شاپور (wikipedia.org)

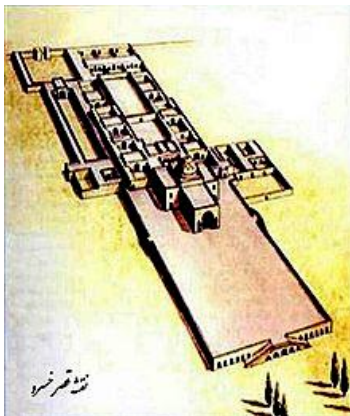
۳-۲-۲- معماری کاخ ها و خانه های اشرافی در دوره ی ساسانیان

از دوره ی ساسانی آثار بیشتری می شناسیم که بسیاری از آن ها را کاخ نامیده اند. در اینجا بناهایی را مطالعه خواهیم کرد که بیشتر اطمینان داریم که خانه یا کاخ هستند. نخستین بنایی که بررسی می کنیم خانه ای اربابی در «حاجی آباد»، در جنوب دارابگرد است، زیرا نتایج آن به درک بهتر فضاهای دیگر خانه ها و کاخ های ساسانی کمک می کند. این مجموعه ی مفصل را مسعود آذرنوش کاوش و بررسی کرده است. در این مجموعه با حوزه های گوناگونی مواجه می شویم که نخستین آن بخش بیرونی یا دیوان عام است که حیاطی محصور و ایوانی رو به آن دارد. این حیاط دیواره ایی تاقچه دار و پرداخت شده و دو ستون در انتهایش دارد و دو راهرو آن را از حوزه های دیگر تفکیک کرده اند. سه طرف ایوان را نیز راهرویی، مانند ایوان های کاخ آشور، محاط کرده است. انتهای ایوان باز است و در ادامه، پس از گذر از راهرو، به حیاط و ایوانی کوچک ترمتمپی می شود که شاید دیوان خاص بوده است. حوزه های سکونتی در غرب مجموعه قرار گرفته اند، اما به علت کامل نشدن کاوش ها در این بخش، درباره ی دسترسی و ارتباط های آن ها اطلاعات کمتری داریم. بخش مذهبی مجموعه در شمال غربی آن است. نقش هایی از زنان و کودکانی که انگور به دست دارند، یافته و آن را با ایزد آناهیتا مرتبط دانسته؛ همچنین اتاق چلیپایی مجاور آن را نیایشگاه خصوصی مجموعه نامیده است. مجموعه ی کاخ شهر «بیشاپور» متعلق به اوایل دوره ی ساسانیان است و نخستین بار رومن گریشمن آن را کاوش و بررسی کرده است. او در تحلیلش از معماری مجموعه، ساختار آن را در مقایسه با بناهایی که آن زمان به کاخ فیروزآباد و سروستان معروف بودند، نامعمول دانسته و گفته است که رابطه ی بسیارضعیفی بین تالار و ایوان وجود دارد، در تمام کاخ ها یا بناهای ساسانی مهمی که می شناسیم، ایوان در محور مجموعه یک کالبد را می سازد. ایوان بیشاپور به جای آنکه در محور مهم کاخ برپا شود، به موازات تالار بزرگ چلیپا شکل قرار گرفته است. [۱۹] در دو دهه ی گذشته مطالعات تازه ای روی این اثر انجام گرفته و نظرات جدیدی درباره ی آن مطرح شده است. مسعود آذرنوش، برخلاف نظر گریشمن، معتقد بود که اتاق چلیپایی بیشاپور نمی توانسته است تالار بارعام باشد، زیرا بسیار بسته است و دور تا دور آن را راه رویی احاطه کرده. او این اتاق را با اتاق چلیپایی حاجی آباد و نوشیجان تپه مقایسه کرده و آن را نمازخانه ی خصوصی کاخ نامیده است. [۱۵]

لایونل بی یو نیز این پیشنهاد را منطقی دانسته و درباره ی وجود چنین فضاهایی در کاخ های ساسانی نظرش را اینگونه بیان کرده است: «ما از روی کتیبه ی پهلوی کعبه زردشت در نقش رستم میدانیم که، به طور مثال، شاه و ملکه و اعضای دربار سلطنتی، نقش رستم هر روز مراسم قربانی مذهبی داشتند، بنابراین میتوانیم اینگونه بپنداریم که کاخ ها و شاید سکونتگاه های

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

کوچک تر شاهی، مانند برخی گونه هایی که در تیسفون کشف شدند، دارای نمازخانه بودند. بر این اساس قاعدتاً کاخ بیشاپور نیز دارای چندین حوزة ی گوناگون درباری، مذهبی، و خصوصی بوده است که بخش های مسکونی آن یا هنوز کاوش و بررسی نشده یا اینکه از میان رفته است. [۱۵] چند بنای دیگر منسوب به دوره ی ساسانی را نیز می شناسیم، اما درباره ی زمان ساخت و کارکرد بخش های مختلف شان اطلاعات کافی نداریم. مشهورترین آن ها بنایی است در قصر شیرین که آن را «عمارت خسرو» یا کاخ خسرو پرویز نامیده اند. کل مجموعه بسیار عظیم است و در حدود ۳۷۲ متر طول و ۱۹۰ متر عرض دارد. در بخش شرقی صفا ای با ۲۸۵ متر طول، ۹۸ متر پهنا و حدود ۸ متر ارتفاع دیده می شود. روی صفا، نخست، یک ایوان و پشت آن اتاقی بزرگ و سپس حیاطی ستوندار قرار گرفته است. روتر این اتاق را گنبددار تصور کرده، اما شواهدی برای این کار ارائه نداده است در کنار صفا مجموعه حیاط هایی به همراه اتاق ها و ایوان هایی بوده که برخی کارکرد خدماتی داشته اند. در جنوب غربی مجموعه نیز یک ورودی و حیاطی بزرگ و مربع شکل به چشم می خورد که در ادامه به حیاطی بسیار کشیده می رسد. در مجموع به علت تردیدهایی که درباره ی نقشه و بازسازی های فرضی بخش شرقی مجموعه و همچنین تاریخ ساخت اثر وجود دارد، نمی توانیم آن را به درستی بررسی و درباره اش اظهار نظر کنیم. در جنوب منطقه ی میانرودان، در جایی به نام کیش، مجموعه آثاری کشف شده که به «کاخ های کیش» معروف است. مهمترین نشان دو بنایی است که آن ها را کاخ های یک و دو نامیده اند. این دو ساختمان، که نقشه ای کامل ندارند، با یکدیگر مقداری فاصله داشته و ممکن است متعلق به مجموعه ای بزرگتر بوده باشند در «کاخ یک» ورودی قابل تشخیص و اتاق مرکزی، به طور مستقیم، قابل دسترسی نیست. در این فضا دو حوض کم عمق و گرد، به شکل متقارن، قرار گرفته اند. به نظر واتلین، کاوشگر اثر، «از ساماندهی درها و گذرگاه های باریک چنین بر می آید که ساختمان را به گونه ای طراحی کرده اند که گردش رفت و آمد را بتوان هدایت و نظارت کرد» کاخ دو» دارای نقشه ای متفاوت و شاید مهم تر بوده است. فضایی احتمالاً روباز در شمال آن وجود دارد که دیوارهای شرقی و غربی آن دارای نیم ستون و تاقچه هایی است. در اتاق مرکزی دو ردیف ستون و دو حوض با همان وضعیت کاخ یک دیده می شود. در انتهای جنوبی آن، فضایی مخارجه مانند وجود دارد که انتهای آن به شکل نیم دایره است. تفاوت در نقشه ی بنا می تواند به معنای تفاوت در کارکرد آن ها باشد و شاید «کاخ دو» نقشی آیینی داشته است. [۱۵]



تصویر ۹: نقشه ی بازسازی شده از کاخ خسرو (wikipedia.org) تصویر ۱۰: کاخ خسرو (wikipedia.org)

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

۴- مقایسه معماری کاخ های دوران ایران باستان با تأکید بر هندسه، سازماندهی فضایی و عناصر هویت بخش

۴-۱- کاخ سروستان:

سروستان از بناهای دیگر دوره ی ساسانی است که قاعداً به دلیل برخورداری از تکنیک پیشرفته تر در طرح کلی و جزئیات بنا، باید از آثار متأخر ساسانی باشد. چنان که اسکار رتر می نویسد: "سابقاً تصور می کردند که بنای مزبور در زمان شاپور دوم (۳۷۹-۳۱۰م) بنا شده است و حال آنکه اخیراً آن را متعلق به قرن پنجم و حتی قرن ششم میلادی می دانند. تکنیک پیشرفته ی طاق این بنا، گواهی بر تعلق آن به دوره ی متأخر است و نیز شکل متفاوت اتاق های آن نیز تأییدی بر این نظر است. به علاوه در حالی که در کاخ فیروز آباد، گنبد در میان دیوارها از نظر پنهان است، در این بنا بر فراز ساختمان مکعبی کاملاً خود را نشان می دهد." این بنا با وسعت ۳۶/۴ در ۴۱/۷۵ متر مربع، مشتمل بر تالار مربع شکلی است به ضلع ۱۲/۸۰ متر که با وجود چهار شاه نشین مشابه در چهار ضلع تالار، صحن آن از سادگی خارج گشته و داری گوشه های متعدد است. هر یک از شاه نشین ها با دری به قسمت های جانبی تالار ارتباط می یابد. محور اصلی بنا شرقی - غربی است و ایوان اصلی در بخش غربی تالار واقع است. حیاط مرکزی را که در شرق تالار قرار گرفته، اتاق های مختلفی احاطه می کنند. اگرچه بنای مزبور در کلیت خود به علت داشتن عوامل مشترک معماری ساسانی مانند ایوان، تالار، طاق و گنبد، به دیگرانی ی این دوره شبه است، اما تفاوت هایی رانیز در برخی از جنبه ها به ویژه در طرح و نقشه با سایر بناهای دوره ی مزبور نشان می دهد. در کاخ فیروزآباد، بخش های مختلف ساختمان نسبت به محور اصلی (محور شمالی - جنوبی) حالتی قرینه دارند، حال آنکه در کاخ سروستان تقارنی میان بخش های مختلف ساختمان نسبت به محور اصلی دیده نمی شود. شاید بتوان این تفاوت را یکی از دلایل طرح پیشرفته ی سروستان نسبت به بنای فیروز آباد دانست. در این بنا، تالار ها و اتاق ها به ابعاد مختلف با پوشش گهواره ای یا گنبدی در ضلع شمالی و جنوبی حیاط مرکزی قرار دارند. [۱۷]

۴-۲- کاخ های پاسارگاد و تخت جمشید

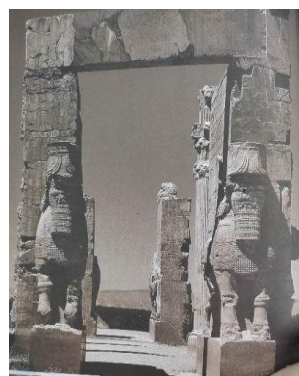
کوروش به عنوان نخستین نمایش قدرت و پرستش الهی به ساختن مجموعه ی کاخ ها و معابد پاسارگاد در استان جنوبی فارس پرداخت. بنابراین، ساختمان هنگامی آغاز شده بود که کوروش در واقع هنوز خراجگزار مادها بود، ولی در کتیبه ای بر یک ستون بلند خود را «شاه هخامنشی» می خواند. این نخستین کانون امپراطوری معرف سبک معماری هخامنشی است و منشا آن را به خوبی آشکار می سازد. سکوی مصنوعی عظیمی با پوشش سنگی فراوان و استفاده از ستون های سنگی یا چوبی بلند استوانه ای یاد آور سبک معماری شمالی است. در آنجا سه بنای کاخ وجود دارد، که هر کدام را دیوار سنگی بلندی احاطه کرده. وسعت آن گویای سرگذشت امپراطوری است: اتاق مرکزی تالار اصلی بارعام یا معبد (وظایف سیاسی و دینی در هم آمیخته بود) مساحتی ۷۰ در ۴۰ متر را در بر می گیرد و اتاق های دیگری نصف آن وجود داشته. این بنای اصلی چهار گوش بود و احتمالاً در هر طرف یک در داشت؛ دو کاخ دیگر مستطیل بود. رنگ های سیاه و سفید تلفیق شده بود، همچنین تنوع رنگ ها (برخی ستون های چوبی به رنگ های آبی سبز سرخ و زرد نقاشی شده بود) و بهره گیری جالب از روکش فلزات گران بها، همه حاکی از آن بود که این شهری جداگانه است، کانون پادشاهی و قدرت مقدس. برای آتش مقدس برج چهارگوشی وجود داشت که اینک ویران شده است. این برج ظاهراً شبیه برج نقش رستم بود، شباهتی که نشان می دهد آیین پرستش آتش چقدر قدیمی است. در اینجا، یعنی در پاسارگاد بود که کوروش را در معبدی با سقف شیبدار به خاک سپردند؛ این معبد یادآور زیگورات های قدیم است. در اطراف ساختمان، ستون های آزادی وجود داشت، که شاید یادآور بیشه ی مقدس بود، و سردر کوتاهی برای ورود به مکان مقدس. مزار کوروش دارای شش پله است، که رو به بالا از ارتفاعشان کاسته می شود: مینیاتوری از

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

یک زیگورات، که قدرتش بسی فراتر از ملاحظات مربوط به ابعاد است. پیداست که حتی برای نخستین شاه هخامنشی هم، کوه و شکل نمادی آن به همان اندازه بین النهرین اهمیت داشت. تأسیسات پاسارگاد، گرچه می باید به جهات گوناگونی ساخته شده باشد، نه از لحاظ پایتخت یک امپراطوری رو به گسترش و نه برای نمایش شکوه یک امپراطوری پیرومند تازه مناسب نبود. چون این شهر بسیار باز و در پایین بود و نمی شد از آن به خوبی دفاع کرد، به علاوه به صورت نامعقولی دور از راه های اصلی قرار داشت. کورش می باید از این عوامل آگاه بوده باشد و احتمالاً پیش از اینکه عملیات ساختمانی در سال ۵۱۸ پ.م. در آن عملاً آغاز شود، محل تخت جمشید را برگزید، چون نقشه کشی و کار مقدماتی آن فراوان و دشوار بود. ممکن است نقشه پایتخت مهم سیاسی راهم در شوش، کورش ریخته باشد، زیرا کاخ بزرگ شوش را داریوش اول درست پیش از ساختن آپادانا در تخت جمشید بنا کرد. چون تخت جمشید پایتخت دینی بود، البته منطقی به نظر می رسد که در همان حال یک مرکز سیاسی هم پیش بینی شود، گرچه دقیقاً ذکر نشده که کورش در این دومحل کاری کرده باشد. ولی صرفنظر از این ملاحظات، می دانیم داریوش اول که مقارن سال ۵۲۱ جانشین کمبوجیه ی دوم شده بود، تصمیم گرفت پایتخت کارآمدی در شوش بسازد و تخت جمشید را به صورت یک زیارتگاه ملی باقی گذاشت، به صورت یک کانون روحانی برای ملت تا مرکز اداری دولت. شوش پایتخت باستانی عیلام، جای آشنایی بود (هر چند کاخ ها و پرستشگاه های عیلامیان در تسخیر شهر به دست آشور بانیپال در سده ی هفتم پ. م.) ویران شده بود. داریوش کار ایجاد یک شهر آیینی و بیه را در تخت جمشید آغاز کرد. در جشن بزرگ نوروز یک چنین مرکز قدرت زمینی، که به صورت نسخه ی زمینی شهر مینوی اساطیری ساخته شده بود، می توانست توافق با خدایان را تأمین کند، و امنیت و رفاه همه ی اقوام این امپراطوری پهناور را میسر سازد. از این رو، شاید با پیروی از نقشه های کورش، داریوش در حوالی سال های ۵۱۸-۵۱۶ پ.م. ساختن بناهای عظیم تخت جمشید را آغاز کرد. هنگامی که اسکندر در سال ۳۳۰ پ.م. آن را ویران ساخت، هنوز کاملاً به اتمام نرسیده بود. متحد ساختن قدرت سیاسی و دینی در شخص شاه و کاهن اعظم و نمایش مطابقت آن دو به وسیله ی یک مجموعه ی معماری ویژه به همان قدمت سومر است، که در آن مجموعه ی کاخ، معبد و باغ گودا پیشاهنگ غایی این شهر مقدس هخامنشی بود. مثلاً دژ خیالی گنگ دیز را در روایات دارای هفت بارو دانسته اند، که بترتیب از طلا، نقره، فولاد، مفرغ، آهن، بلور و لاجورد ساخته بودند. در تاریخ طولانی آیین نمادی مجموعه کاخ ها در خاور نزدیک، تخت جمشید نمونه ی نهایی و برتر بود. ورودی بنا خود گواه پیدایش قدرتی موثر بود: پلکان دوطرفه ی شاهانه ای به عرض ۶/۵ متر که می پیچد واز یکدیگر دور می شود. این پلکان به جای اینکه از قطعه سنگ های جداگانه ترکیب شده باشد، از تخته سنگ های عظیمی تراشیده شده که گاه بخشی از دیواره را هم تشکیل داده اند. پلکان بزرگ که شیب ملایم آن مناسب عبور یک سوار است به یک صفه و بلافاصله به ایوانی منتهی می شود که گاوهای بالداری با سر آدمی از آن پاسداری می کنند. کاخ، آپادانای خشایار شاه به وسعت ۶۴۰۰ متر مربع فضای بیرونی و یک اتاق داخلی به وسعت ۳۶۰۰ متر مربع و ایوان هایی در سه طرف، هر یک به عمق ۲۰ متر. تمام آن دارای ۳۶ ستون استوانه ای است به قطر ۲ متر و به بلندای ۱۹ متر که بدون برآمدگی تدریجاً باریک شده اند و هر یک ۳۶ تا ۴۸ شیار محدب دارد و بر بالایشان سرستون های رنگارنگ آراسته به سر گاو نر های پشت به هم داده قرار گرفته است. شیرها و شیر دالی با منقار باز هم به همان ترتیب در سر ستون ها به کار رفته، ولی ناتمام است و پیداست که کنار گذاشته شده است. مدخل آپادانا جنگلی از ستون ها بود، که در میانشان جنگل های خشتی تقریباً گم می شد. چون جهت یابی دشوار بود، ممکن است یک احساس غیر واقعی بودن ایجاد می کرد، رویایی غیر زمینی از بیشه مقدس آسمانی. نازک کاری سراسر بناهای تخت جمشید با دقت و وسواس انجام گرفته، درست مانند آنچه مستلزم یک بنای شاهانه و مقدس است. برخی دیوار ها را مثل آئینه صیقل داده اند و جزئیات مجسمه ها گاه گویی با ابزار های جواهر سازی تراش خورده، آن ها اغلب چنان دقیق است که گویی از فلز تراشیده اند. از لحاظ فنی، نقش های زینتی آشوری شکل های نقش برجسته ی قراردادی و قدیمی بودند با زمینه ای محدود که تصویر را در یک سطح صاف

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

کم عمقی جدا می گذاشت، طوری که گویی آن را تصویر نکرده، بلکه با وسیله ی تیزی بریده اند. نقش های تزئینی تخت جمشید، مانند آثار آشوری، مطابق هم و از نقش های برجسته ی کم عمق تشکیل شده، ولی دارای ماهیت کاملاً متفاوتی است. آن ها عضوی از کل بنا هستند که در حیطه ی فضاهای مهمی مانند سر درها و گذر گاه های اصلی قرار دارند و اندازه و حرکتشان متناسب با کل مجموعه است. به علاوه نقش های آرایشی تخت جمشید به طرز حساسی نمونه برداری شده و سطح مدورشان مبین موجودی زنده است. در روشنایی مایل سپیده دم، برخی از اسن نقش ها به صورت اسرار آمیزی زنده به نظر می آیند. مجسمه های تخت جمشید تجریدی، گویا وحاکی از معانی فراسوی واقعیات بود. حتی گاو نرهای عظیم با سر آدمی که پاسدار در گاه ها یا بر سر سرستون ها ست، با همه ی هیبت و سهمناکی که باید داشته باشند، تا حدی به دست پیکر تراشان ایرانی حالت انسانی یافته اند. [۸]



تصویر ۱۱: دروازه ملل تخت جمشید (معماری شهرسازی شهر نشینی) تصویر ۱۲: آجر لعابدار کاخ آپادانا (معماری شهرسازی شهر نشینی)

۴-۳- کاخ نسا

نسا از یک شهر سفالی محصور وارگی (یادژی) که بیرون از حصار شهر روی تپه ای کوچک بنا شده بود، تشکیل می شد. این ارگ (یا دژ) که طبق لوحی گلی که در آن پیدا شده مهرداد کرت نام داشت و توسط مهرداد اول ساخته شده است. دیوارهای ستبر استحکامات بین ۲۰ تا ۲۵ متر ارتفاع و ۵ متر ضخامت داشت و با استفاده از گل ساخته شده بود و نمای آن را آجر می پوشاند. ورود به ارگ از طریق پاگردهایی که در پی دیوارهای گرد شهر قرار داشت صورت می گرفت. هر لشکر مهاجمی که در صدد حمله به این ارگ بر می آمد مجبور بود از اطراف پلکان صعود کند، وزیر آتش مداوم قرار می گرفت. اتاق اصلی کاخ، تالاری ستون دار به مساحت تقریبی ۲۰ متر مربع بود. سقف آن با استفاده از تیر های بزرگ روی چهارستون بزرگ چهار ترک (پیلک) که در واقع اتاق را به چهار راهرو تقسیم کرده بود، پوشانده بود. این ویژگی مکرراً در معماری پارتی بعد از این نیز به چشم می خورد. دیوار ها به رنگ قرمز و سفید رنگ آمیزی و به طور افقی توسط نواری از صفحات کوچک سفالی و به طور عمودی با ردیف هایی از نیم ستون که روی هر دیوار شش تا از آن ها قرار داشت تقسیم بندی شده بود. تندیس های عظیم گلی که امروزه کاملاً خرد شده و احتمالاً اجداد دارای مرتبه الوهیت پارت ها را نشان می دهد، در تاقچه های میان ردیف های فوقانی ستون ها قرار داده شده بود. حرم اصلی یکی از معابد، از یک اتاق مدور که قطر آن به هفده متر می رسید تشکیل شده بود. این حرم نیز مانند تالار بزرگ آی خانوم هیچ ستونی نداشت و از روش مورد استفاده جهت پوشاندن سقف آن هیچ اطلاعی

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

در دست نیست. مانند کاخ نسا داخل بنا رنگ آمیزی و تزیین شده بود: دیوارهای سفید با استفاده از کتیبه ای مرکب از سفال های نقش دار و بخش فوقانی با نیم ستون تزیین شده بود. این اتاق مدور بخش مرکزی یک مجموعه چهارگوش را که توسط راهرو محاط شده بود تشکیل می داد. در کنار این معبد یک واحد مرکزی چهار گوش دیگر یا برج دالان دار قرار داشت. گرچه هنوز نقشه کاخ نسا مبتنی بر حدس و گمان است، می توان گفت در آنجا رواقی که به مجموعه معبد برجی منتهی می گردید از نوع تالارهای باز دارای سه دیوار بوده که تیرهای سقف آن روی دیوار تکیه می کرده است. [۱]

۴-۴- کاخ بیشاپور

کاخ بیشاپور (۲۴۱ میلادی) در نزدیکی کازرون بوسیله شاپور ساسانی ساخته شده است. در مرکز مجموعه یک ارگ شاهی است که دارای فضایی است با دهانه ای حدود ۲۱ گز (حدود ۲۲ متر) و گمان می رود باز سازی تصویری این قسمت به گونه ای که در نقشه برخی محققین غربی انجام گرفته، درست نباشد. عقاید گوناگونی در مورد پوشش آسمانه آن گفته شده است. برخی گفته اند که این فضا اصلاً سر پوشیده نبوده و فقط یک حیاط بزرگ بوده است. در اینصورت ضخامت زیاد دیوار های آن غیر لازم است. بیشتر صاحب نظران پذیرفته اند که این بنا گنبدی داشته است و دارای دونیم گنبد بوده است. در سمت راست آن تالاری با فرش کف موزاییک است که به آن پیس پیسه می گویند و بر روی طمینمی گویند و بر روی زمین نگاره های گوناگون را با موزاییک های بزرگی ساخته اند. در فیروز آباد نیز نمونه های پیشرفته ای از آن ساخته شده است. آرایه های گچ بری آن نیز گوناگون است و هیچکدام از آن ها همانند نقوش هم نیستند و آن را می توان مادر تمام گچ بری ها و نقوش های ایران دانست. [۱]

جدول ۱ - سبک های معماری و اقدامات صورت گرفته در زمینه معماری و شهرسازی در دپادوار مختلف ایران باستان.

مهم ترین اقدام معماری	شیوه معماری	حکومت	
استفاده از قوس های جناقی پیشرفته در آثار تپه نوشیجان	پارسی	مادها	۱
پایه ریزی اولین شیوه مدون ایرانی با الگوگیری از معماری اوراتورها، استفاده از هنرها و فن آوری دیگر ملل تابع و ترکیب آن با هنر و تفکر ملی و بومی	پارسی	هخامنشیان	۲
دوران گذار که تأثیر چندان عمیقی بر معماری ایران نداشته است.	شبه هلنی	سلوکیان	۳
پایه ریزی اولین شیوه مدون معماری ایرانی - معماری پارتی	پارتی	اشکانیان	۴
تکمیل دومین شیوه مدون معماری ایرانی - معماری پارتی	پارتی	ساسانسان	۵

(گردآوری: نگارندگان)

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

جمع بندی و نتیجه گیری:

کاخ سازی و کاخ نشینی از مهم ترین تحولات کالبدی هنر و معماری دوران باستان در ایران است. دوره ی هخامنشیان اوج اقتدار تمدن باستانی ایران و به تبع آن، عرصه احداث عظیم ترین مجموعه های کاخ بوده است. کاخ های دوره هخامنشی غالباً دارای بخش های اصلی - فرعی، اندرونی - بیرونی بوده و سلسله مراتب حرکتی در آن بر اساس جهت های عمود بر هم متوالی و متناوب انجام گرفته است. تالار، ایوان و فضاهای مابین، مصادیق عمده ی فضاهای بسته، نیمه بسته و باز بودند. در دوره اشکانی و بالاخص ساسانی، کاخ ها با ویژگی های دیگری اما با همان ساختار بخش های اصلی - فرعی و اندرونی - بیرونی و با سلسله مراتب حرکتی عمدتاً محوری احداث شده اند. و همچنین تالار گنبدی یا طاق دار، ایوان طاق دار و فضاهای بیرونی مرتبط با آن ها، مصادیق فضاهای بسته، نیمه بسته و باز بودند که حرکت با لایه های مختلف از میان آن ها انجام می گشت.

جدول : بررسی تطبیقی کاخ های هخامنشیان و پارتیان

بخش مذهبی	اندرونی	بیرونی	میان سرا	ایوان	کارکرد اصلی	
x	✓	✓	✓	✓	سکونتی-تشریفاتی	کاخ شوش
x	✓	✓	✓	✓	سکونتی-تشریفاتی	کاخ آشور
✓	✓	✓	✓	x	سکونتی	کاخ بیشاپور

منابع :

- ۱- پیرنیا، محمد کریم، معماریان، غلامحسین، ۱۳۹۶ سبک شناسی معماری ایرانی، چاپ نوزدهم، تهران، ناشر مولف
- ۲- پیرنیا، محمد کریم، معماریان، غلامحسین، ۱۳۹۶، آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ بیست و چهارم، تهران، ناشر مولف
- ۳- زارعی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۹، آشنایی با معماری جهان، تهران، فن آوران، چاپ سوم
- ۴- کاظم زاده رائف، محمدعلی و میردریکوندی، صبا. ۱۳۹۹. بازشناسی تحلیلی نوآوری و بداعت در معماری التقاطی کاخ های پارسه با تأکید بر عناصر معماری سنگی. چهارمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن
- ۵- امیرخانی، آرین و همکاران ۱۳۸۷. تأملی بر چگونگی تکوین مفاهیم اصولی معماری منظر و تبلور آن در منظر ایران باستان (از ابتدا تا پایان دوران هخامنشی). معماری و شهرسازی آرمان شهر. دوره ۱. شماره ۱. صفحه ۴۵
- ۶- خوشبخت، داریوش و خواجهی، فاطمه، ۱۳۹۸، هویت معماری هخامنشی بررسی تاثیر معماری آشور و بابل نو در معماری هخامنشیان. اولین کنفرانس ملی دوسالانه باستان شناسی و تاریخ هنر ایران، بابل
- ۷- سید، دکتر محمود و بابایی توسکی، مهناز. ۱۳۹۳. بررسی سبک و اسلوب معماری دوره هخامنشیان. پژوهش نامه تاریخ، دوره ۱۰، شماره ۳۷. صفحه ۱ تا ۲
- ۸- پوپ، آرتور، ۱۳۹۳، معماری ایران، مترجم: غلامحسین صدیقی افشار، تهران، نشر دات

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

- ۹- محمدی فر، یعقوب و میرصفدری، شراره السادات. ۱۳۹۳. سبک شناسی معماری هخامنشی. مطالعات شهر ایرانی اسالمی. شماره ۱۶. صفحه ۱۹ تا ۲
- ۱۰- ولایتی. رحیم. ۱۳۹۸. تأثیر هنر ملل تابعه امپراتوری هخامنشیان بر هنر و معماری آنها. باغ نظر. دوره ۷، شماره ۱۴، صفحه ۸۷ تا ۹۴
- ۱۱- ولایتی. رحیم. ۱۳۹۶. بررسی و مقایسه ی تناسب های انسانی در هنر مصر و ایران دوره ی هخامنشیان. مجله مطالعات باستان شناسی، سال نهم. شماره ۲. صفحه ۲۱۱-۲
- ۱۲- معتمدمنش، مهدی. ۱۳۹۷. معماری سلطنتی هخامنشی: نمادی از فناوری و خرد انسانی در عهد باستان. مطالعات معماری ایران، دوره ۷، شماره ۱۳. صفحه ۵ تا ۳۲
- ۱۳- گاردنر، هلن. ۱۳۸۱. هنر در گذر زمان. ترجمه: محمد تقی فرامرزی. تهران. آگاه، نگاه. چاپ پنجم
- ۱۴- مصطفوی، محمد تقی، ۱۳۴۸. نگاهی به هنر معماری ایران، تهران: شرکت سهامی سیمان تهران
- ۱۵- طهماسبی، احسان، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی معماری کاخها و خانه های اشرافی ساسانیان، پژوهش های باستان شناسی ایران، شماره ۴، دوره سوم، بهار و تابستان
- ۱۶- مرزبان، پرویز، خالصه، ۱۳۹۵. تاریخ هنر. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ بیست و یکم
- ۱۷- تقوی نژاد دیلمی، محمد رضا، ۱۳۹۲، معماری شهر سازی و شهر نشینی ایران در گذر زمان، چاپ سوم، تهران، انتشارات یساولی
- ۱۸- شیپمان، کالوس، ۱۳۸۴. مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران، انتشارات فرزاد
- ۱۹- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۵، بیشاپور، ج ۲، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی
- ۲۰- زالی، مهدی، ۱۳۹۴. تأثیر معماری ساسانی بر اجزاء و فرم معماری ایرانی اسلامی، اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهر سازی و مدیریت شهری
- ۲۱- موسوی، مهرزاد، ۱۳۹۰، جستاری در پیشینه ی هنر هخامنشی. شیراز. رخسید. چاپ اول
- 22- Azarnoush, Massoud. 1994. The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran. Monografie di Mesopotamia III, Florence, and Casa Edit rice Le Letter
- 23- Reuther, Oscar. 1938. Parthian Architecture. In: A survey of Persian Art, vol. 1. ed. Arthur Upham Pope. Oxford University. 411-444.
- 24- Reuther, Oscar. 1938. Sasanian Architecture. In: A survey of Persian Art, vol. 5. ed. Arthur Upham Pope. Oxford University. 493-578
- 25- wikipedia.org